سه کد درس در یک فایل | کل کتاب، بدون حذفیات | ۲۴ تعریف در کادر طلایی | ۲۳ کادر «دقت کنید»

مادّه‌های قانون مدنی عین کتاب | منبع رسمی پیام‌نور | مکاتب، قانون، عرف و تفسیر

کلیات حقوق

خلاصه مبانی، منابع و قلمرو قانون با نکته‌های امتحانی

منبع: کتاب کلیات حقوق – دکتر ارسلان ثابت سعیدی (پیام نور)

کد درس: دانشگاه پیام نور – 1222301 · 1223001 · 1223008

آخرین به‌روزرسانی: آبان ۱۴۰۵

نویسنده جزوه //
تیم تألیف بژیک

مناسب برای رشته‌های //
دانشجویان سه کد این درس در پیام نور

کیفیت //
کل کتاب، با جدول کد درس

ساختار محتوا //
تعریف طلایی، نکته، ماده قانونی

۲۴
صفحه مفید

۳
کد درس

۲۳
کادر دقت کنید

© Copyrights - bzhik.ir

خلاصه درس کلیات حقوق، بر اساس کتاب دکتر ارسلان ثابت سعیدی

منبع رسمی پیام نور برای سه کد درس؛ از تعریف حقوق و مکتب‌ها تا قانون، عرف، رویه قضایی و تفسیر

منبع درس	کلیات حقوق، دکتر ارسلان ثابت سعیدی، انتشارات دانشگاه پیام نور (ثبت گلستان: ۱۳۹۳)
ویژگی	ترتیب مطالب همان ترتیب کتاب است؛ تعریف‌ها در کادر طلایی، فرق‌های دام‌دار (حقوق و اخلاق، مبانی و منابع، ابطال و نسخ، حق بالفعل و بالقوه، انواع تفسیر) در کادر «دقت کنید» و ماده‌هایی که کتاب نقل کرده، عین متن کتاب آمده‌اند.

کد درس خود را پیدا کنید و فصل‌هایتان را ببینید

کد درس	نام درس در گلستان	بخش‌هایی که باید بخوانید
1222301	کلیات حقوق	حذفیاتی اعلام نشده؛ کل کتاب
1223001	کلیات حقوق	حذفیاتی اعلام نشده؛ کل کتاب
1223008	مبانی علم حقوق	حذفیاتی اعلام نشده؛ کل کتاب

چند درس هم‌نام منبع دیگری دارند و این فایل برای آن‌ها نیست: کد 1218789 با نام «کلیات حقوق» در گلستان کتاب «حقوق اساسی» همین مؤلف را دارد، کدهای 1220093 و 1220958 کتاب «مقدمه علم حقوق» مصطفی دانش‌پژوه را، و منبع ثبت‌شده کد 1219091 (فلسفه حقوق) کتاب «کلیات حقوق» با نام ثابت سعیدی و عباس زراعت از نشر اندیشه‌های حقوقی است، نه چاپ پیام نور.

قسمت اول: کلیات

منبع: کتاب کلیات حقوق ثابت سعیدی

تعریف حقوق

حقوق در درجه اول: جمع «حق»

حق عبارت است از امتیازی که شخص در جامعه دارا می‌باشد و دیگران مکلف به رعایت آن هستند. 💡

- حق ممکن است از سه منشأ پدید بیاید:
  - **قانون:** قوانین امر و نهی‌اند و برای مشمولان حق و تکلیف می‌سازند؛ مثل کسی که دوره کارشناسی را طبق مقررات بگذراند و استحقاق دریافت دانشنامه لیسانس پیدا کند.
  - **قرارداد:** معتبر است اگر مخالف صریح قانون نباشد؛ ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». پس در فروش

مواد مخدر نه فروشنده حقی به ثمن دارد و نه مشتری به مبیع، ولی در اجاره حق مستأجر به منفعت و حق موجر به مال‌الاجاره از قرارداد می‌آید.

- **عرف و عادت:** مثل حضور در مسجد، سینما و پارک و قدم زدن و روزنامه خواندن در پارک؛ ورود با دوچرخه، خوابیدن و غذا پختن در پارک ممکن است خلاف عرف یا مقررات باشد.

دومین معنی حقوق

- علم تجزیه تحلیل، بررسی و شناخت قوانین که تخصص می‌خواهد و در دانشکده‌های حقوق آموخته می‌شود.

سومین معنی حقوق

سیستم حقوقی: مجموع قواعد و مقرراتی که در جامعه معین و در دوره تاریخی معین بر روابط مردم حاکم است.

- وقتی می‌گوییم در حقوق اسلام ارث پسر دو برابر دختر است ولی در حقوق فرانسه ارث پسر و دختر یکسان است، منظور سیستم حقوقی اسلام و فرانسه است.

معنی دیگر حقوق

- در اصطلاح حقوق اداری، حق‌الزحمه یا حق‌السعی ماهانه کارمند یا کارگر؛ در عرف به مجموع دریافتی ماه می‌گویند، ولی در حقوق اداری فقط حاصل‌ضرب رتبه یا گروه در پایه «اصل حقوق» است و فوق‌العاده‌ها و مزایا عنوان جدا دارند.

دقت کنید: مثال ارث اسلام و فرانسه نشانه معنای «سیستم حقوقی» است، مثال پارک نشانه حقی با منشأ عرف، و مثال دانشنامه لیسانس نشانه حقی با منشأ قانون.

قسمت دوم: جنبه‌های مختلف حقوق

منبع: کتاب کلیات حقوق ثابت سعیدی

- یک مسئله حقوقی را از جهات مختلف می‌شود مطالعه کرد و کتاب همه جنبه‌ها را با یک مثال نشان می‌دهد: حق سرقفلی در تخلیه محل تجاری.

از نظر تاریخی

- موضوع رشته «تاریخ حقوق» است: چگونگی پیدایش، سیر تحول و تکامل حقوق؛ به ریشه‌های ابتدایی به‌ندرت می‌توان رسید، چون مورخان کمتر به مسائل حقوقی پرداخته‌اند و حتی هرودوت، مورخ شهیر یونانی، در «تواریخ» فقط به‌ندرت به جنبه حقوقی اشاره کرده است.
- حقوق ایران عمدتا از فقه شیعه (اقوال مشهور) و حقوق فرانسه اقتباس شده است.

- طبق فقه امامیه با پایان مدت اجاره، قرارداد تمام می‌شود و اگر موجر راضی نباشد تصرف مستأجر غاصبانه است؛ ولی پیش از ۱۳۳۹ عملا و عرفا مبلغی به‌عنوان سرقفلی پرداخت می‌شد بی‌آنکه قانونی آن را پیش‌بینی کرده باشد.
- سیر حق سرقفلی به روایت کتاب:

۱۳۳۹: قانون روابط مالک و مستأجر برای اولین بار آن را با عنوان «حق کسب، پیشه یا تجارت» شناخت.

۱۳۵۶: قانون روابط موجر و مستأجر آن را تأیید کرد.

۱۳۶۲: قانون بعد از انقلاب درباره آن ساکت ماند.

۱۳۶۳: شورای نگهبان آن را نامشروع و ضوابط تحریرالوسیله امام خمینی (ره) را حاکم دانست.

۱۳۶۹: مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد مطابق قانون ۱۳۵۶ عمل شود.

از نظر جامعه‌شناسی

- تحقیق در عوامل اجتماعی منجر به شناخت یک حق و تصویب قانون؛ جامعه‌شناس افزایش جمعیت، کمبود محل سکونت و لزوم حمایت دولت از مستأجران را عامل ممنوع شدن تخلیه مطلق اماکن اجاری می‌داند.

از نظر حقوقی و قضایی

- حکم حق کسب و پیشه به برداشت حقوقدان، قاضی و وکیل بستگی دارد:
  - بعضی محاکم نظر شورای نگهبان را «مشورتی» می‌دانند و با استناد به قانون ۱۳۵۶ به حق کسب و پیشه حکم می‌دهند.
  - بعضی دیگر (اقلیت) شورای نگهبان را مرجع تشخیص مطابقت با شرع می‌دانند و بعد از پایان اجاره حقی برای مستأجر قائل نیستند.

⚠ **دقت کنید: گروه اول نظر شورای نگهبان را فقط در مطابقت مصوبات مجلس با احکام اسلامی (اصل ۹۶) و مطابقت آیین‌نامه‌های دولتی با شرع (اصل ۱۷۳) لازم‌الاتباع و در بقیه موارد مشورتی می‌دانند. ضمنا سرقفلی و حق کسب و پیشه اصطلاحا فرق دارند، ولی کتاب چون عامه آن‌ها را یکی می‌دانند، هر دو را به یک معنا به کار برده است.**

از نظر حقوق تطبیقی

- مقایسه سیستم‌های حقوقی و قوانین کشورها برای سنجش نقاط ضعف و قوت و امتیازات اجرایی هر یک؛ تحول حقوق اجاره در ایران عمدتا ناشی از حقوق تطبیقی و تأثیر حقوق خارجی است.

⚠️ **دقت کنید:** در کتاب این بند به‌جای حرف «د» با عدد «۵» چاپ شده است؛ ترتیب درست: الف تاریخی، ب جامعه‌شناسی، ج حقوقی و قضایی، د حقوق تطبیقی.

بخش اول: مبانی حقوق

منبع: کتاب کلیات حقوق ثابت سعیدی

- انسان تنها در غار و جنگل نیازی به حقوق نداشت؛ حقوق زائیده اجتماع است و از تزاحم خواسته‌هایی مثل مسکن، غذا و لباس پدید آمد که باید با عدالت و انصاف تقسیم شود.
- اولین اصل در روابط بشری حاکم بودن «زور» و «قدرت» بود که حتی صاحب قدرت را هم در امان نمی‌گذاشت؛ کم‌کم عرف و عادت و سپس قوانین، قواعدی به نام «حقوق» ساختند.
- اساس شناخت حقوق شاید «وجدان بشری» باشد، ولی برای ضمانت اجرای آن «قدرت حاکم» (دولت در معنی خاص) پدید آمد که به نمایندگی جامعه حکومت می‌کرد؛ اما مفهوم «حکومت» (سلطه با قدرت نامحدود) بر «اداره» (قرار دادن هر چیز در جای خود) چربید و تجاوز «قدرت حاکم جابر» نهضت‌هایی برای «قدرت حاکم عادل» و مکاتب حقوقی را پدید آورد.

فصل اول: منشأ حقوق

منبع: کتاب کلیات حقوق ثابت سعیدی

- پرسش اصلی: مبنای اطاعت از قانون چیست؛ وجدان و فطرت، یا صرف ضرورت اجتماعی اطاعت مادون از مافوق؟ پاسخ دو مکتب ساخت:
  - **حقوق فطری:** اطاعت به علت انطباق قانون با فطرت، انصاف و عدالت است و قانون نامنطبق قابل اطاعت نیست.
  - **تحققی:** ارزش‌های مجرد بدون پشتوانه حکومتی اجرا نمی‌شوند و اعتبار حقوق فقط با ضمانت اجرای حکومت است؛ آنچه سلطان بپسندد باید اجرا شود.

⚠ **دقت کنید: طرفداران حقوق فطری مقاومت در برابر احکام غیرعادلانه حاکم را جایز می‌دانند، ولی طرفداران مکتب تحققی نه، چون احکام حاکم را عین عدالت می‌دانند.**

گفتار اول: مکتب حقوق فطری

- جامعه از آغاز دو طبقه داشت، حاکم و فرمانبردار، و «ترس» هسته اطاعت بود؛ رابطه حاکم و ملت سه دوره دارد:
  - **دوره جاهلیت:** ترس مطلق و غریزی (حفظ جان، طبیعت، قدرت) و اطاعت کورکورانه، حتی از رئیس قبیله‌ای که گمان می‌رفت جلوی سیل و زلزله و بیماری را می‌گیرد.
  - **دوره تشکل:** گروه‌های ضعیف از ترس قتل عام مغلوب گروه‌های قوی شدند و نیاز به اداره، منشأ پادشاهی و امپراطوری شد؛ باز ترس عنصر اصلی بود.

دوره اندیشمندی: فلاسفه رابطه معقولی جستند: اطاعت محض وجود ندارد و اطاعت باید دلیل منطقی و عادلانه داشته باشد.

- مکتب حقوق فطری بازتابی در برابر خودکامگی حکام است: پادشاه سایه خدا نیست و حاکم و فرمانبردار بودن تقسیم الهی نیست، بلکه ضرورتی اجتماعی برای نظم است که باید بر اصول طبیعی، منطقی و عادلانه باشد.

مبحث اول: تعریف

حقوق موضوعه عبارت است از مجموع قوانین، مقررات و ضوابطی که به‌وسیله قوه قانونگذاری معینی در زمان معین وضع و برقرار می‌گردد.

حقوق فطری عبارت است از اصول و ضوابطی که به‌وسیله بشر وضع نگردیده بلکه در طبیعت وجود دارد و بشر باید آن‌ها را از طریق وجدان روشن و حس عدالتخواهی کشف کند؛ از قبیل احترام به مالکیت، آزادی، تساوی در مقابل قانون و الزام وفای به عهد.

مبحث دوم: خصوصیات حقوق طبیعی

- از گفته سقراط، افلاطون و ارسطو چهار خصوصیت برمی‌آید: **کامل** (به قانون مکمل نیاز ندارد)، **نافع** (واضعش طبیعت است و نفع شخصی ندارد)، **ابدی** (همیشه معتبر و تغییرناپذیر) و **همه‌جایی** (در تمام دنیا معتبر).

مبحث سوم: تحول حقوق فطری

- **یونان:** سقراط علاوه بر حقوق موضوعه به حقوق طبیعی معتقد بود؛ افلاطون جامعه سیاسی را نیاز فطری و مبتنی بر حقوق فطری و به‌خصوص آزادی می‌دانست؛ ارسطو منشأ تشکیلات سیاسی دولت را فطرت می‌دانست.
- **رم:** سیسرون، پل، پلین و فلورانتن آن را مفصل بحث کردند و به سلاطین توصیه می‌کردند به قوانین فطری توجه کنند.
- **الهیون** (با منشأ الهی):
  - **سنت اگوستن** (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم میلادی): دولت باید از قوانین الهی پیروی کند، وگرنه قوانینش اعتبار ندارد و مردم مکلف نیستند.
  - **سنت توما داکن** (قرن سیزدهم میلادی): قدرت دولت را مطلق و بی‌انتها و تنها مهارش را کنترل الهی می‌دانست؛ قوانین را سه دسته کرد: الهی، فطری و موضوعه بشری.
  - **علمای اسلام:** اسلام را دینی فطری می‌دانند که اصولش بر فطرت آدمی بنا شده و تقلید در اصول دین را جایز نمی‌داند؛ کتاب فطری بودن هر اصل را توضیح می‌دهد: توحید (اگر منشأ اداره عالم واحد نباشد، نظام عالم از هم می‌پاشد)، نبوت (مسئولیت با آگاهی از تکلیف ملازمه دارد)، معاد (شهید وطن یک مدال می‌گیرد و قاتل چند نفر یک بار کشته می‌شود، پس روز حساب دیگری لازم است)، عدل و امامت (ادامه رسالت هدایت).

دقت کنید: فقهای اسلام حقوق فطری را منحصر در «مستقلات عقلیه» (مثل لزوم عدالت، منع ظلم، لزوم رد ودیعه و وفای به عهد) نمی‌دانند، بلکه همه احکام شرع را منطبق بر فطرت و عقل می‌دانند: هر آنچه شرع به آن حکم کند، عقل هم حکم می‌کند. ⚠️

- **طرفداران معاصر** (قرن ۱۷ و ۱۸): هوگو گروسیوس هلندی، پوفندرف آلمانی، دکارت فرانسوی، جان لاک انگلیسی و ژان ژاک روسو فرانسوی، با دو ابتکار:
  - **منشأ:** مبدأ الهی قائل نبودند و منشأ را عقل می‌دانستند که در همه هست؛ هدفشان توسعه دایره اعتبار حقوق فطری بود تا پذیرش آن به اعتقاد مذهبی وابسته نباشد.
  - **هدف:** نه اطاعت تعبدی، بلکه تأمین آزادی‌ها و حفظ حقوق و شخصیت افراد.
- گروسیوس انسان را موجودی عاقل و اجتماعی می‌دانست و روسو در کتاب «عقد اجتماعی» به قراردادی معتقد بود که ضامن حقوق و آزادی‌های فردی است.

مبحث چهارم: انتقاد از حقوق فطری

- در قرن نوزدهم ساوینیی، اوگو و پوختا، از فلاسفه آلمانی، در آن تردید کردند؛ نهضت فکری قرن نوزدهم و بیستم به‌جای «آنچه باید باشد» به «آنچه هست» می‌اندیشید و آرمان‌ها را پل‌هایی بیرون از رودخانه می‌دانست.
- اعتبار حقوق نسبی است: برده‌داری زمانی افتخار اشراف بود و امروز جرم است و با وجود احترام به مالکیت، بسیاری از کشورها اموال ثروتمندان را مصادره کرده‌اند.

مبحث پنجم: انعکاس افکار طرفداران حقوق فطری

- «سلطان سایه خداوند در زمین است» خواسته‌ای سیاسی برای تقدس سلطنت بود و حقوق فطری عکس‌العملی علمی و فلسفی در برابر قدرت مطلق سلاطین؛ نتیجه‌هایش:
  - **۱۶۸۹:** حقوق فردی به نام «حقوق بشر» اولین بار در انگلستان به تصویب پارلمان رسید.
  - **۱۷۷۶:** استقلال آمریکا، پس از جنبش مستعمرات انگلستان در آمریکای شمالی.
  - **۱۷۸۹:** انقلاب کبیر فرانسه و انتشار اعلامیه حقوق بشر.
- اعلامیه به «یک سلسله حقوق طبیعی مقدس مسلم و غیرقابل انتقال» قائل است؛ اهم آن: مساوات، آزادی فردی، مالکیت، تأمین مالی و جانی و حق دفاع، تعلق حاکمیت به ملت، قانونی بودن جرم، آزادی عقاید بدون اخلال در نظم عمومی، حق تفتیش ملت در اعمال دولت و احترام مالکیت خصوصی جز برای مصلحت عمومی و با قیمت عادله.

سرنوشت نهایی حقوق فطری

- از اعتبارش کاسته شد، ولی این حقیقت ماند که حقوق، منشأش هر چه باشد، اولا باید برای سعادت و نظم جامعه باشد، نه حفظ حکومت و اغراض شخصی، و ثانیا بر عدالتخواهی، انصاف و حسن نیت مبتنی باشد.